

۱۳۹۴

چهارده داستان و نقش آداب نماز در تربیت انسان

عبدالمطلب برات نیا

۱۳۹۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نسیب خور

رازهای زندگی
baratnia.ir

چهارده داستان و نقش آداب نماز در تربیت انسان

سرشناسه : برات نیا، عبدالمطلب ، ۱۳۴۸

عنوان و نام پدید آور : چهارده داستان و نقش آداب نماز در تربیت انسان

مشخصات نشر : مشهد: برات نیا ، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری : ۳۱ صفحه

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۰۰۷۰-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : نماز

رده بندی کنگره :

رده بندی دیویی :

شماره کتابشناسی ملی :

چهارده داستان

و نقش آداب نماز در تربیت انسان

عبدالمطلب برات نیا

• ناشر: برات نیا • طرح جلد: نویسنده

• نوبت چاپ: اول • سال چاپ: ۱۳۹۴ • شمارگان: ۱۰۰۰ / رقعی

• قیمت: ۵۰۰ تومان • چاپ و صحافی: pdf

• شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۰۰۷۰-۶

فهرست مطالب

- ۸- انزول عذاب بخاطر ترک مسجد.....
- ۹- امام رضا(ع) و دستور خواندن نماز اول وقت.....
- ۱۰- نماز چیست.....
- ۱۱- امام سجاد (ع) و نماز اعرابی.....
- ۱۲- عاقبت مستخفین نماز یعنی کسانی که نماز را کوچک می شمارند.....
- ۱۳- نماز قیس بن سعد بن عباده.....
- ۱۴- نماز از ترس تازیانه.....
- ۱۵- تیري در پا.....
- ۱۶- پاداش نماز اول وقت.....
- ۱۷- با چهل روز نماز به مقام ملکوتی برسید.....
- ۱۸- توصیه های علی ابن ابی طالب (ع) به شاگرد جانش کمیل ابن زیاد.....
- ۱۹- سفارش امام زمان (ع) درباره ی نماز صبح و مغرب.....
- ۲۰- لباس زیبا در نماز.....
- ۲۱- اهمیت نماز.....
- ۲۲- نقش آداب نماز، در تربیت انسان.....
- ۲۳- لباس و مکان.....
- ۲۴- تنظیم وقت.....
- ۲۴- قبله و استقبال.....

- انزول عذاب بخاطر ترک مسجد

بارندگی در مدینه کم شده ، کمبود مواد غذائی مدینه را در بر گرفته بود ، اگر چه مواد غذائی هر از چند گاهی از نقاط دیگر به مدینه می رسید ولی این مقدار به قدری نبود که کفاف نیاز مردم مدینه را بکند ، هر وقت کاروانی از گندم وجود و دیگر مواد غذائی به مدینه می رسید جمعیت چنان بسوی کاروان حمله ور می شدند که گوئی قصد چپاولش را دارند نه خرید

اگر چه پیامبر سیاستهائی را برای گذشتن از این دوره بهران اتخاذ کرده بود و بیکهائی زیادی برای دوستان تجاری سابقش که با آنان تجارت می کرد فرستاده بود که کمبود مواد غذائی شهر مدینه را با ارسال کاروانهای مواد غذائی جبران کنند ولی هنوز مردم از کمبود این مواد در سختی به سر می بردند

آن روز ، روز جمعه بود و مسلمانان در مسجدالنبی گرداگرد پیامبر جمع بودند و پیامبر نیز در حال ایراد خطبه های نماز جمعه بود ، در میان گرم گرم سخنان پیامبر مردی حراسان وارد مسجد شد چنانکه گوئی می خواهد خبری مهم همچون حمله دشمن را بدهد ، همه متوجه او شدند حتی پیامبر خودش نیز لحظه ای دست از ادامه خطبه برداشت ، مرد نفس زنان گفت : ای مردم مدینه کاروانی هم اکنون وارد مدینه شد که محموله آن تماماً گندم ، جو ، و آرد است من آمده ام به شما بگویم اگر نجنبید چیزی به شما و اهل خانه شما نمی رسد

اگر چه تقریباً بیشتر اهل مدینه در مسجد بودند و چنانچه همگی بعد از نماز نیز می رفتند چیزی را از دست نمی دادند جمعیت با چنان ولوله ای از مسجد خارج شد که برای برخی تداعی لحظه برخورد دو سپاه مسلمین و مشرکین در جنگ احد را می نمود

لحظاتی نگذشت که مسجد از جمعیت تهی شد و جز اندکی از صحابه نزدیک و برخی از بنی هاشم هیچکس در مسجد نماند ، پیامبر همچنان ایستاده بود با همان سلاحی که در هنگام ایراد خطبه های نماز در دستانش بود ، آثار حزن بر چهره پیامبر ظاهر گشت و علی ابن ابی طالب (ع) که پیامبر را آنقدر ناراحت می دید گفت یا رسول الله آیا می خواهید برای باز گرداندنشان بروم ، ولی پیامبر با لبخندی کم رنگ که نهایت تاثر را میشد از آن خواند با اشاره دست او را از این کار نهی کرد

لحظاتی به سنگینی و در سکوت پیامبر و تاثر دیگران سپری گشت ، عرق بر پیشانی پیامبر نشست یاران اندیشیدند که پیامبر در حال دریافت وحی الهی است چون هر بار در حین دریافت وحی تقریباً همین حالت بر پیامبر حادث می گشت

پس از لختی سکوت پیامبر با همان حالت تأثر گفت : به خدای جهانیان که جان محمد (ص) در دستان اوست سوگند می خورم چنانچه شما اندک نیز از مسجد می رفتید و مسجد را خالی می کردید هم اکنون آتش قهر پروردگار شعله ور می گشت و عذاب الهی بصورت باران سنگ بر سر همگان فرود می آمد ، و این شهر وساکنانش را در بر می گرفت

۲- امام رضا(ع) و دستور خواندن نماز اول وقت

ابراهیم ابن موسی می گوید: امام رضا (ع) به عنوان استقبال از بعضی دوستان به همراه عده ای از یاران از منزل خارج شده بود، در این حال وقت نماز فرا رسید، قصری در آن حوالی بود، امام (ع) با یاران به سوی آن رفتند و در کنار سنگ بزرگی ایستاد، سپس امام به من فرمودند: اذان بگو، عرض کردم: منتظر رسیدن و ملحق شدن بعضی از یاران هستم که بیایند حضرت فرمودند: خدا تو را بیامورزد، نماز را از اول وقت بدون عذر به تأخیر نینداز، بر شما واجب است خواندن نماز آن هم در اول وقت، راوی گفت: پس اذان گفتم و نماز خواندیم دوست عزیز، نمازی که امام رضا(ع) بپا داشت، نماز جماعت بود که هر چه جمعیت بیشتر باشد ثواب آن بیشتر است، ولی توجه نمودید که امام (ع) اجازه نفرمودند نماز اول وقت، به خاطره رسیدن و ملحق شدن بقیه یاران به تأخیر بیفتند، بلکه تأکید کرد که نماز اول وقت خوانده شود و تأخیر را صلاح ندانست، اینکه امام رضا (ع) فرمود: ای موسی، بر تو واجب است که نماز را در اول وقت بپا داری خطاب به فرد فرد ماست و اختصاص به آن شخص ندارد

۳- نماز چیست

روزی حضرت علی(ع) در مسجد کوفه جوانی را مشغول نماز خواندن دید، جوان با حضور قلب و توجه زیاد نسبت به آداب نماز، نماز میخواند ، حضرت به او فرمود: ای جوان، تفسیر نماز چیست؟ جوان عرض کرد: آیا نماز را جز عبودیت ، تفسیری است؟! که بدون آن ، ناقص و ناپسندید است، تأویل حقیقت ، عبارت است از قربت، خلوص، حضور قلب و توجه ، معرفت خدا و محبت اهل بیت (ع) ، که بدون آن هیچ عملی صحیح نخواهد بود ، اگر چه در همه دهر صائم و روزه دار باشد و در بین صفا و مروه به عبات قیام کند، آری ، روح نماز همانا قرب و خلوص ، توجه و حضور قلب ، و معرفت و محبت اهل بیت علیهم صلوه المصلین است

۴- امام سجاد (ع) و نماز اعرابی

عربی وارد مسجد پیامبر(ص) شد، با عجله دو رکعت نماز خواند، در هیچ رکعتی آداب مربوط به آن را رعایت نکرد و در قرائت و تلفظ حروف و کلمات هیچ گونه دقتی به عمل نیاورد، به عبارت دیگر نماز را با طمأنینه و سکون، و وقار و خضوع و خشوع به جا نیاورد، آنگاه برای دریافت مزد نمازی که خوانده بود دستانش را به سوی آسمان دراز کرد و گفت: خدایا اعلیٰ علین، بهشت را روزی من کن و قصری زرین و چهار حوریه به من عطا فرما، از قضا امام سجاد (ع) در آنجا حضور داشت و نماز خواندن شتابزده و درخواست اعرابی را از خداوند شنید، پس خطاب به او فرمود: ای برادر عرب، کابین و ازدواج را طلب می کنی یعنی نمازی که تو با این وصف خواندی، شایستگی درخواست بهترین نعمتها و عالی ترین مکان ها را از درگاه باریتعالی دارد

روزهای زندگی
baratnia.ir

۵- عاقبت مستخفین نماز یعنی کسانی که نماز را کوچک می‌شمارند

ابوبصیر یار با وفای حضرت امام صادق(ع) میگوید: در زمان شهادت امام صادق(ع) در مدینه منوره حضور نداشتم ، پس از بازگشت از سفر ، به عنوان تسلیت گویی به محضر (ام حمیده) همسر آن حضرت رفتم ، ام حمیده وقتی مرا دید ، به شدت گریست و فرمود: ای ابا محمد ، کاش در هنگام رحلت آن حضرت حاضر بودی و می دیدی که آن حضرت یکی از دو چشمان مبارکش را بست و سپس فرمود: خویشان و اقوام و هر کس که به من لطف و محبتی دارد بیاید ، وقتی همه به حضور آن جناب رسیدند و در دور بسترش گرد آمدند فرمودند: هرگز شفاعت ما به کسی که نمازش را سبک و کوچک بشمارد نمیرسد بزرگترین آرزوی ما در آخرت ، شفاعت پیامبر و آل گرامی اش _ علیهم صلوٰه المصلین _ است

۶- نماز قیس بن سعد بن عباده

جناب قیس ، از صحابه بزرگ و از اشرف به حساب می آمد . وی از رؤسا ، سیاستمداران جنگ آوران

سخاوتمندان ، سخنرانان ، زاهدان و دانشمندان شمرده می شد و از پایه های اصلی دین و استوانه مذهب بود ، بعلاوه ، قیس رئیس طایفه ((خزرج)) و از خاندان های این طایفه بود خاندان او ، هم در دوران جاهلیت و هم در زمان اسلام دارای مجد و عظمت بودند ، قیس در مرتبه خوف از خداوند و شدت بندگی و اطاعت نسبت به ذات پروردگار به جایی رسیده بود که روزی به هنگام نماز ، در سجده گاهش ماری نمایان شد ، ولی او بی آنکه به این خطر توجهی داشته باشد یا ترسی به خود راه دهد ، برای سجده خم شد و طوری فرود آمد که در پهلوی مار به سجده رفت ، در این هنگام ، مار به دور گردن قیس پیچید ، ولی او از ناز خود کوتاهی نکرد و چیزی از آن نکاست ، تا آنکه از نماز فارغ شد و مار را با دست خود از گردن جدا ساخت و به طرفی افکند

روزهای زندگی
baratnia.ir

۷- نماز از ترس تازیانه

در کتاب لئالی الاخبار آمده است

عربی بیابان گرد وارد مسجد کوفه شد و با حالتی پرعجله و شتابان شروع به خواندن نماز خود نمود ، در این حال وجود نازنین مولی الموحدین امیر المومنین شاهد و ناظر نماز خواندن آن مرد بود ، مرد عرب آنچنان با عجله نماز می خواند که رعایت هیچکدام از حالات واجب و مستحب نماز همچون قرائت صحیح ، خضوع قیام متصل به رکوع و قیام پس از رکوع را ننمود ، علی (ع) که تا این زمان شاهد نماز خواندن مرد بود کمکم از طرز اقامه نماز مرد برآشفته ، وقتی مرد عرب نماز خود را تمام کرد و دوان دوان همانطور که آمده بود قصد ترک مسجد را نمود ، علی (ع) او را صدا زد ، مرد عرب که امیر المومنین را برآشفته می دید با ترس بسوی وی بازگشت ، امام با اخم به وی گفت ای مرد این چه نمازی بود که تو برای خدا خواندی آیا شرم نمی کنی که دیدار معبود خود را اینگونه سرسری و بی توجه میگزرائی ، بعد در حالی که تازیانه خود را در دستانش می فشرد به وی گفت باز گرد و نمازت را صحیح بخوان آنگونه که بتوان به حقیقت نام نماز را بر آن نهاد ، مرد که حسابی ترسیده بود دوباره نماز خود را از سرگرفت و در حالی که اکثر اهل مسجد او را زیر نظر داشتند نماز خود را با خضوع و رعایت کلیه موارد واجب و مستحب اعاده نمود ، امیر المومنین که خود نیز او را زیر نظر داشت از نماز خواندن مرد خشنود شد و بعد از نماز به وی گفت : ای برادر آیا این نمازی که خواندی بهتر نبود ؟ مرد عرب با همان حالت مظلومانه که به ترس بیشتر شبیه بود گفت : چرا یا امیرالمومنین اینگونه بهتر بود ولی بخدا سوگند نمازی که در ابتدا خواندم از ترس پروردگار و به جهت اطاعت و فرمانبرداری او بود ولی نمازی که بعد از آن خواندم بخاطر تو و از ترس تازیانه تو بود ، مردم همگی خندیدند و چهره علی ابن ابی طالب نیز به خنده ای زیبا آراسته شد

۸- تیری در پای

در جریان یکی از جنگهای اسلام تیری بسوی علی ابن ابی طالب (ع) رها شد و علی (ع) که سخت درگیر پیکار بود متوجه آن نشد؛ تیر با شدت تمام به ران مبارک حضرت امیر(ع) برخورد کرد و از سوی دیگر ران وی سر در آورد

فریاد جان خراش یا الله یا الله حضرت آنچنان در میدان پیچید که همگان را متوجه خود ساخت؛ چند نفر از یاران بسوی او دویدند و او را با همان وضعیت به پشت میدان نبرد منتقل کردند؛ خون بشدت از ران مبارک علی ابن ابی طالب (ع) فوران می کرد

پزشک سپاه سعی کرد تیر را از ران وصی رسول خدا(ص) خارج سازد ولی هرتکافی که به تیر می داد یا الله... یا رسول الله وی جانها را به درد می آورد؛ پزشک چون نتوانست به هیچ ترفندی تیر را از ران مبارک مولی الموحدین خارج سازد زخم را در همان وضعیت پانسمان نمود و بالای زخم را با تکه طنابی بست تا از خونریزی جلوگیری کند

بعد از جنگ پیامبر به همراه جمعی از یاران به چادر پزشک رفتند و جملگی دور علی (ع) حلقه زدند اگرچه هریک از آنان زخمهای کوچک و بزرگی برداشته بودند و پزشک در حال پانسمان آنان بود ولی همه گوئی زخمهای خود را فراموش کرده بودند و تنها به علی (ع) می اندیشیدند در این حال پیامبر (ص) در حالی که به آرامی و بی صدا به گونه ای که کسی متوجه نشود اشک می ریخت از چادر پزشکی خارج شد و بسوی چادر خود رفت؛ وقتی محمد (ص) به اطراف نظری انداخت بسیاری از یاران را گریان دید در این حال پزشک که بهبود علی (ع) و پایان گرفتن ناله های او را تنها در بیرون آوردن تیر از پای او می دید؛ با شکستن انتهای تیر سعی کرد تیر را از قسمت جلوی زخم بیرون بکشد ولی شدت درد بقدری زیاد بود که دوباره فریادهای دلخراش علی (ع) بلند شد؛ در این حال همگی اهل چادر و برخی از یاران در بیرون چادر با صدای بلند می گریستند

به زودی خبر مجروحیت علی (ع) و عاجز شدن پزشک از در آوردن تیر به مدینه و به فاطمه (س) رسید؛ و او نیز بر خیل اشک ریزان افزوده گشت

فاطمه (س) در یک لحظه گوئی فکری به ذهن پاکش خطور کرده باشد پیکی را بسوی سپاه فرستاد تا نکته ای را به پدر یادآوری کند وقتی پیام فاطمه (س) به رسول اعظم (ص) رسید به یکباره لبخندی بر لبان پیامبر (ص) نقش بست به گونه ای که همگی از این تغییر حالت پیامبر (ص) متعجب شدند، وقت نماز پیامبر جامه های خونین علی (ع) را از تنش خارج کرد و کمک کرد تا او برای نماز وضو بگیرد آنروز علی (ع) بخاطر زخمهای عمیق و تیری که به پا داشت نماز را در حالت نشسته شروع کرد وقتی علی (ع) تکبیرة الاحرام نماز را گفت گوئی از زمین و تمام اهل آن منقطع شد؛ پیامبر اشاره ای به پزشک کرد و او که هنوز از اینکه در این حال برای خارج کردن تیر از پای علی ع اقدام کند تردید داشت؛ بسوی وی رفت و تیر را در پای علی (ع) لمس نمود ولی اینبار برخلاف گذشته دیگر از علی (ع) صدائی جز صوت مناجات در نماز خارج نشد؛ پزشک تیر را از پای وی خارج کرد بدون اینکه کوچکترین حرکت و ناله ای از او شنیده شود خونریزی دوباره آغاز شد و پزشک دوباره جریان خونریزی را بست تا خونریزی را قطع کند پس از نماز علی (ع) متوجه جامه خود که دو باره خونریزی کرده بود و پایش شد ولی تیر را در پای خود ندید؛ سؤال کرد که تیر را چه زمانی از پای من خارج کردید؛ و پیامبر داستان خارج کردن تیر در حال نماز را برای وی نقل کرد، داستان دهان به دهان بین مسلمین و اهل مدینه پیچید؛ و هرکس ماجرای تیر را می شنید میگفت: به راستی نماز حقیقی به این میگویند

۹- پاداش نماز اول وقت

حضرت عبد العظیم حسنی از امام یازدهم حضرت حسن عسگری (ع) روایت کرده است که حضرت فرمود : موسی ابن عمران با خداوند سخن گفت و عرض کرد : بار خدایا ، پاداش کسی که نمازش را در اول وقت می خواند چیست ؟ خداوند فرمود : آرزو هایش را بر آورده می کنم و بهشتم را به او مباح می گردانم ، آری ، چون نماز گذار محبوب ترین کارهای خود را نادیده می گیرد و فریضة الهی را بر همه منافع خود مقدم می دارد خداوند نیز محبوب ترین و بهترین جاگاه را که بهشت است ، برای او مباح و حلال می گرداند و او را به بهترین نعمت های بهشت خویش متنعم می سازد

۱۰- با چهل روز نماز به مقام ملکوتی برسید

در کنار مرقد ثامن الائمه مسجدی وجود دارد که به همت گوهر شاد خانم همسر شاهرخ میرزا ساخته شده است در طول مدت ساخته شدن مسجد، گوهر شاد خانم هر از چند گاهی به کارها سرکشی میکرد و دستورهای لازم را به معماران و استاد کاران می داد، در یکی از این روزها باد مختصری وزیدن گرفت چنان که گوشه ی چادر گوهر شاد به کنار رفت و چشم یکی از کارگرها به صورت ایشان افتاد و سخت دلباخته ی او شد، اما چون راه به جایی نمی برد از شدت حرمان به بستر افتاد و پرستاری او را مادر درد مندش به عهده گرفت، پسر راز خود را با او در میان نهاده، سرانجام چون پزشکان از معالجه او نا امید شدند، مادر ساده دل دست به دامان گوهر شاد شد و گفت که اگر راه چاره ای نیابی پسر من از دست خواهد رفت

گوهر شاد سخت ناراحت شد و در اندیشه فرو رفت، آنگاه سر بر داشت و گفت: ای مادر به خانه برو و به پسر تو سلام برسان و بگو من حاضریم با او ازدواج کنم اما دو شرط دارد: یکی اینکه من از شاهرخ میرزا جدا شوم و شرط دوم آنکه او باید چهل شبانه روز باید در محراب زیر گنبد مسجد نماز بخواند و ثوابش را به عنوان مهریه به من قرار دهد، مادر به خانه رفت و جریان را برای پسرش تعریف کرد، پسر جوان با شنیدن این خبر از بستر رنج برخاست و با خود گفت چهل روز که چیزی نیست، اگر چهل سال هم بود قبول می کردم، در هر صورت جوان به محراب رفت و شروع به خواندن نماز نمود، کم کم که ایام چهله نشینی جوان سپری می گشت جوانک در حال نماز نورهای زیبایی را میدید که او را سخت شیفته ی خود می ساخت کار به جائی رسید که در همان چهل سحرگاه چنان عشق معبود واقعی در قلب او رسوخ نمود که دیگر به گوهر شاد فکر هم نمی کرد، در پایان چهل روز بانو گوهر شاد نماینده ی خود را فرستاد تا ببیند آیا جوان در قول خود راسخ بوده است یا نه، نماینده ی بانو سحرگاهان به محراب آمد و جوان را دید که سخت مشغول عبادت است، مدت زیادی صبر کرد تا جوان عاشق عبادتش به پایان رسید، در این حال نزد جوان رفت و به او گفت من نماینده ی بانو هستم و آمده ام تا از شرطی که بسته بودی مطمئن شوم آیا هنوز هم بر خواست خود پابرجائی، در این حال جوان که گذشت این ایام چهل گانه او را سخت متحول نموده بود گفت: از بانوی خود تشکر نما و به او بگو من در این ایام معشوق گم گشته و واقعی خود را یافته ام از او بخواهید مرا ببخشید و عفو نماید

۱۱- توصیه های علی ابن ابی طالب (ع) به شاگرد جوانش کمیل ابن زیاد

حضرت علی (ع) به کمیل بن زیاد نخی درباره ی خصوصیات و کیفیت اقامه ی نماز می فرماید ای کمیل ، قدرت و منزلت در عبادت در اطاعت خدا به این نیست که نماز بگزاری و روزه بداری و صدقه بدهی ، بلکه شأن و منزلت در این است که نماز را با قلب پاک بگزاری و سلیم النفس باشی و عملی خدا پسندانه را با خشوعی انجام دهی که سر و پای وجودت را فراگیرد بنگر بر آن چیزی که در آن بر آن به نماز ایستاده ای که اگر غصبی و حرام باشد ، نماز قبول نیست و فایده ای ندارد ، آری ، نماز گزار نمیتواند اموال مردم را خائنانه تصرف کند و مالک آن شود ، حتی اگر در نماز از کمترین چیزی استفاده کند که صاحب آن راضی نباشد ، نمازش باطل است و باید اعاده شود ، بنابر این ، نماز آدمی را از تجاوز به مال و ناموس مردم و حقوق آنها بر حذر می دارد و آدمی را به یک زندگی صحیح و مرضی خداوند بزرگ موفق و پایدار می گرداند.

۱۲- سفارش امام زمان (ع) درباره ی نماز صبح و مغرب

مرحوم کلینی و شیخ طوسی و طبرسی از ((زهری)) نقل کرده‌اند که گفت: مدّت های مدید در طلب حضرت مهدی (ع) بودم و در راه اموال فراوانی (در راه خدا) خرج کردم اما به هدف نرسیدم تا اینکه به خدمت محمد بن عثمان رسیدم و مدتی در خدمت او بودم تا روزی از او به التماس می خواستم که مرا به خدمت امام زمان (ع) ببرد، محمد بن عثمان پاسخ منفی داد

ولی در مقابل تضرع بسیار من، سرانجام لطف کرد و فرمود: فردا اول وقت بیا، فردای آن روز اول وقت به خدمت محمد بن عثمان رفتم، دیدم جوانی خوش سیما و خوشبو همراه اوست و به من اشاره کرد که این است آن کس که در طلبش هستی، به خدمت امام زمان (ع) رفتم و آنچه سؤال داشتم، مطرح کردم، ایشان جواب مرا فرمود تا به خانه ای رسیدیم و داخل خانه شد و دیگر آن حضرت را ندیدم، در این ملاقات، ایتشان دو بار به من فرمود: از رحمت خدا به دور است کسی که نماز صبح را چندان به تأخیر بیندازد تا ستاره ها دیده نشود و نماز مغرب را بقدری به تأخیر بیندازد تا ستاره ها نمایان شوند

۱۳- لباس زیبا در نماز

گویند هنگامی که امام حسن مجتبی (ع) برای نماز آماده می شود ، بهترین لباس های خود را بپوشید ، از آن حضرت پرسیدند : ((چرا بهترین لباس خود را می پوشید ؟)) امام (ع) در پاسخ فرمود : همانا خداوند زیباست و زیبایی ها را دوست دارد ، پس من نیز لباس زیبا برای راز نیاز با پروردگار می پوشم و هم او فرمود : ((به هنگام رفتن در مسجد خود را به زینت در برگیرد.)) بر همین اصل ، طبق روایات مستحب است که انسان ، برای نماز نیکو ترین جامه ی خود را بپوشد ، خود را معطر کند و با رعایت نظافت و در کمال طهارت به نماز و راز و نیاز با خدای بزرگ پردازد .

۱۴- اهمیت نماز

شیخ بهایی حکایت کرده است: ((عابدی سی سال نماز خود را در صف اول نماز جماعت خواند ، سپس همه ی نمازها را دوباره خواند ، وقتی علت این کار را از او پرسیدند ، گفت روزی به مسجد آمدم تا نماز بخوانم ، در صف اول که همیشه می ایستادم جا نبود بنا بر این در صف آخر ایستادم و نماز خواندم ، وقتی نمازم تمام شد دیدم مردم از دیدن من در صف آخر تعجب کردند و به من نگاه می کردند ، من هم از خودم متعجب شدم و خجالت کشیدم و با خود گفتم که از این خجالت معلوم شد که نماز هایی که در صف اول می خواندم خالی از ریا نبوده است پس به همین خاطر همه ی نماز هایم را دوباره می خوانم ، در اجادیت نیز گفته شده است کسی که دو رکعت نماز بدون ریا و با حضور قلب به جا آورد خدایتعالی جمیع نماز های او را قبول می فرماید و او را داخل بهشت می کند.

روزهای زندگی
baratnia.ir

۱۵- نقش آداب نماز، در تربیت انسان

نماز، ابعاد گونه‌گونی دارد که هر بعد آن نقش ارجمندی را در پالایش روح و جان از آلودگی‌ها بر دوش می‌کشد، یکی از ابعاد سازنده نماز «آداب» آن است.

برای بررسی و آثار هر چیز، باید به آداب آن عنایت ویژه کرد، چرا که انجام اموری بدون آداب آن، یا بدون ژرف اندیشی به آداب آن، قطعا ناقص است و به کمال بهینه آن نمی‌توان دست‌یازید.

در حقیقت رعایت آداب نماز، رعایت ادب و جنبه‌های تربیتی است که دارای آثار و نتایج درخشان و سازنده خواهد بود.

در نماز نیز که ستون دین است، حتما باید به آداب آن توجه عمیق داشت تا شاهد آثار درخشنده آن بود. این مساله به قدری اهمیت دارد که راحل فقیه، حضرت امام خمینی - قدس سره - کتاب پرمغزی به نام «آداب الصلوة» نگاشته و در آن به شرح آداب درونی و بیرونی نماز پرداخته است. (۱)

این آداب در یک تقسیم‌بندی بر دو قسم است: ۱- آداب ظاهری، ۲- آداب باطنی، و در تقسیم‌بندی دیگر از سه بخش شکل می‌یابد که عبارتند از: مقدمات نماز، مقارنات نماز و تعقیبات نماز؛ مقدمات نماز عبارت است از: طهارت، لباس، مکان، تنظیم وقت، و رو به قبله داشتن. هریک از این پنج امر از آداب بیرونی نماز است، که در این مقاله نظر شما را به شرح کوتاه این قسمت جلب می‌کنیم: طهارت و نقش آن امام صادق (ع) فرمود: «لاصلاة الا بطهور»؛ (۲) نماز بدون وضوء (و غسل یا تیمم) تحقق نمی‌یابد. نیز فرمود: «الوضوء شطرا لایمان»؛ (۳) وضوء نیمی از ایمان است. (۴)

و نیز رسول خدا (ص) فرمود: «افتتاح الصلوة الوضوء»؛ (۵) وضوء آغاز و کلید نماز است.

امام صادق (ع) در سخن دیگر فرمود: «نماز از سه بخش تشکیل شده، یک بخش آن، طهارت، بخش دیگر رکوع، و سومین بخش آن سجده است». (۶)

وضوء (یا غسل در موارد خود) علاوه بر این که موجب پاکیزگی ظاهر و پاکی بدن از چرک و آلودگی‌های ظاهری است، موجب نورانیت و صفای درونی نیز خواهد شد. عالم ربانی و عارف صمدانی، حاج میرزا جواد تبریزی، پس از یاد کرد مفتاح بودن طهارت برای نماز می‌نویسد:

«انسان عاقل باید در حقیقت و ثمره طهارت بیندیشد، و هرگاه دانست که سعادت ظاهری و باطنی او در نظافت است، در آیات قرآن که در این مورد است بیندیشد، به خصوص در این آیه که خداوند می‌فرماید: «ما یریدالله لیجعل علیکم من حرج ولکن یرید لیطهرکم»؛ (۷) خداوند (با قانون‌گذاری وضوء، غسل و تیمم) نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند، بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد».

سپس به این آیه شریفه توجه کند که: «والله یحب المطهرین»؛ (۸) خداوند پاکیزگان را دوست دارد».

قابل توجه این که برای انجام هر یک از اعمال وضوء، خواندن دعاهای مخصوصی مستحب است، که هر کدام از آنها تلقین امور معنوی، معارف اسلامی، و تطهیر باطن از آلودگی‌ها است و بیانگر طهارت باطنی می‌باشد، بر همین اساس امام معصوم (ع) فرمود: «و طهر قلبک بالتقوی والیقین عند طهاره جوارحک بالماء»؛ (۹) قلب خود را در آن هنگام که اعضای بدنت را با آب می‌شویی، به وسیله تقوا و یقین، پاک کن».

بنابراین، منظور از وضوء یا غسل، تنها شستن و پاک ساختن ظاهر اعضای بدن نیست، بلکه پاک سازی ظاهر، یکی از مراحل وضوء است، حقیقت وضوء را باید در طهور بودن آن جستجو کرد؛ یعنی علاوه بر طهارت ظاهر، طهارت باطن را که مهم‌تر است، هدف قرارداد. حضرت امام خمینی - قدس سره - در این زمینه چنین می‌فرماید: «سالک الی الله، باید در

وقت وضوء متوجه شود به این که می خواهد متوجه محضر مقدس حضرت کبریا شود، و با این احوال قلوب که دارای آن است، لیاقت محضر ندارد، بلکه شاید مطرود از درگاه عزت ربوبیت شود، پس دامن همت به کمر زند تا طهارت ظاهر را به باطن سرایت دهد، و قلب خود را که مورد نظر حق، بلکه منزلگاه حضرت قدس است، از غیر خود تطهیر کند، و تفرعن خود و خودیت را که اصل اصول قذارت است، از سر بیفکند، تا لایق مقام مقدس شود.»

حضرت امام خمینی - قدس سره - پس از یادآوری مطالبی چند به ذکر حدیث رسول خدا (ص) که در کتاب «علل الشرایع» نقل شده، پرداخته که حاصل ترجمه آن چنین است: گروهی از یهودیان به محضر پیامبر اکرم (ص) آمده، پس از چند سؤال، پرسیدند: «به چه علت وضو به این چهار موضع (صورت، دست‌ها، سر و پاها) اختصاص یافت، با این که این چهار موضع، از همه اعضای بدن پاکیزه‌ترند؟»

پیامبر اکرم (ص) در پاسخ فرمود: «وقتی شیطان آدم را وسوسه کرد، و همین وسوسه باعث شد که آدم (ع) نزدیک آن درخت ممنوعه رفت، و به آن درخت نظر کرد، آبرویش ریخت، سپس برخاست و به سوی آن درخت روان شد، و آن نخستین قدمی بود که برای گناه برداشته شد، پس از آن با دست خود، آنچه در آن درخت بود، چید و خورد، در این هنگام زینت و زیور از پیکرش پرواز نمود، و آدم دست خود را بالای سرش نهاد و گریه نمود. وقتی که خداوند توبه آدم (ع) را پذیرفت، بر او و ذریه او واجب نمود که این چهار عضو را پاکیزه نمایند، از این رو (در وضوء) امر فرمود: که صورت خود را بشوید، برای این که به آن درخت ممنوعه رو کرد، و به شستن دست‌ها تا آرنج امر فرمود، زیرا آدم (ص) با دست‌هایش میوه آن درخت را تناول نمود، و به مسح سر امر فرمود، زیرا آدم (ع) هنگام توبه دست‌هایش را بر سرش گذاشت، و به مسح قدم‌ها امر نمود، چون که با آنها به سوی گناه رفته بود.» (۱۰)

بنابراین در وضو (یا غسل) که در اسلام به عنوان طهور، و کلید و مقدمه نماز مطرح است، باید علاوه بر نظافت ظاهری بدن، به طهارت باطن نیز توجه داشت، و با چنین زمینه سازی، برای نماز آماده شد، که قطعا رعایت این آداب با چنین کیفیتی، نقش موثری در پاکسازی و بهسازی روح و روان و ظاهر و باطن از آلودگی‌ها خواهد داشت.

عالم ربانی، فیض کاشانی می‌نویسد: «یک مرتبه بریدن از مادیت و پیوستن به معنویت، دشوار است، وضو انسان را کم‌کم آماده می‌سازد، و انسان را به سوی معنویت سوق می‌دهد.» (۱۱)

لباس و مکان

از شرایط نماز گزار این است که لباسش پاک و مباح باشد، و بهتر است که نماز گزار لباس نو و سفید و پاکیزه و عطرآگین بپوشد، و از لباس‌های تیره و چرک آلوده و تنگ و سیاه پرهیز نماید. بنابراین، این بخش از آداب نماز نیز، انسان را به پاکی و دوری از غصب و هرگونه آلودگی فرا می‌خواند، و بذریه از انحرافات مالی و پلیدی‌های ظاهری را در قلب انسان می‌پاشد. به همین ترتیب مکان نماز گزار نیز باید مباح باشد، حتی اگر قسمتی از آن مکان - مثلا یک دهم آن - مال دیگری باشد بدون اجازه او، نماز خواندن در آن مکان جایز نیست. این مساله موجب می‌شود که نماز گزار از مال حرام و از اموالی که زکات و خمس به آن تعلق گرفته پرهیز کند، و تا حقوق آن را ادا ننموده، در آن مکان نماز نخواند. و یا در مکانی که غصبی است، وضو و غسل انجام ندهد، قطعا رعایت این امور و ضوابط شرعی، موجب دوری از بخشی از گناهان خواهد شد.

در این راستا، نباید نقش مکان‌های مقدس، مانند مساجد، حرم امامان (ع) و جایگاه‌هایی را که به گونه‌ای احترام ویژه‌ای دارند از نظر دور داشت. قطعا نماز در این مکان‌ها - به خصوص در مساجد جامع، و مسجد‌هایی مانند مسجد الحرام، مسجد النبی، روحانیت مخصوصی دارد، و انسان سالک را عمیق‌تر و سریع‌تر به مقصود می‌رساند، و با ایجاد حالت معنوی مخصوص، در نماز گزار، نقش نماز او را در طهارت نفس، بیشتر و راسخ‌تر می‌سازد.

یکی از آداب مهم نماز، وقت‌شناسی است، انسان باید نماز را در وقت خود به جای آورد، به خصوص در اول وقت، که بسیار سفارش شده است. انجام نمازهای پنج‌گانه در وقت خود، اهمیت وقت‌شناسی را به انسان تلقین می‌کند؛ مراقبت در رعایت وقت، درس نظم و انضباط به انسان می‌آموزد، که اگر انسان به راستی قدر وقت را بشناسد، و به آن اهمیت بدهد، عامل مهمی از خودسازی و بهره‌گیری از عمر و وقت را به دست آورده است. در این باره امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: «ان اوقاتک اجزاء عمرک، فلا تنفذ لک وقتا الا فیما ینجیک؛ (۱۲) همانا وقت‌های تو اجزای عمر توست، بنابراین بکوش که وقتی از عمر تو جز در اموری که موجب نجات توست، تلف نشود».

از اهمیت استفاده صحیح از وقت، همین سخن بسنده است که امام سجاد (ع) در مناجات خود با خدا عرض می‌کند: «و عمرنی ما کان عمری بذله فی طاعتک، فاذا کان عمری مرتعا للشیطان فاقبضنی الیک؛ (۱۳) خدایا تا هنگامی که عمرم در راه اطاعت فرمان تو به کار رود، به من عمر ده، و هرگاه عمرم چراگاه شیطان شود، مرا بمیران».

حضرت رضا (ع) به اندازه‌ای به وقت نماز اهمیت می‌داد که روایت شده، در خراسان در یکی از جلسات مهم علمی، در حضور مامون، با «عمران صابی» که از بزرگان دانشمندان مادی بود، مشغول بحث و مناظره بودند، ناگاه صدای اذان شنیده شد، امام رضا (ع) بی‌درنگ برای اقامه نماز برخاست.

«عمران صابی» با اصرار از امام می‌خواست که به بحث ادامه دهد، حتی عرض کرد: «ای آقای من! دنباله مناظره را قطع نکن، دلم رام گشته، بنشین و پس از پاسخ به سؤالات، برای نماز برو». امام رضا (ع) نماز اول وقت را فدای بحث و بررسی نکرد و تحت تاثیر خواهش و ابتهال و احساسات عمران صابی قرار نگرفت، با قاطعیت به او فرمود: «نصلی و نعود؛ (۱۴) نخست نماز را به جای می‌آوریم، و سپس برای ادامه بحث باز می‌گردیم».

باید توجه داشت که نمازگزار باید با توجه عمیق قلبی از وقت نماز استقبال کند، و خود را به محضر حق برساند، که قطعاً چنین حالتی موجب تحول شده و در پاکسازی و بهسازی روح و روان انسان، اثری ژرف دارد. حضرت امام خمینی - قدس سره - پس از ذکر احادیث و مطالبی در این راستا چنین می‌فرماید: «... خلاصه، ای ضعیف! آداب قلبیه اوقات، آن است که خود را مهیا برای ورود به حضور مالک دنیا و آخرت کنی... پس با نظری، توجه به ضعف و بیچارگی و ذلت و بی‌نواایی خود و عظمت و بزرگی و جلالت و کبریایی ذات مقدس (جلت عظمته) کن که انبیای مرسلین و ملائکه مقربین در بارگاه عظمتش از خود بی‌خود شوند، و اعتراف به عجز و مسکنت و ذلت کنند، و چون این نظر را کردی و به دل فهماندی، دل استشعار خوف کند، و خود و عبادت خود را ناچیز شمارد». (۱۵)

قبله و استقبال

نمازگزار، باید برای انجام نماز، رو به قبله بایستد، قبله همان کعبه (خانه خدا) و کانون توحید و مقدس‌ترین و گرامی‌ترین مکان است. توجه به کعبه در نماز، در حقیقت توجه به توحید و آرمان مقدس پیامبران، و بنیانگذار کعبه حضرت ابراهیم (ع) است. رویکرد به سوی کعبه، علاوه بر این که بیانگر وحدت، انسجام، هماهنگی و نظم مسلمانان در عبادت است، و آنها را از پراکندگی و ناهمگونی و تفرق برحذر می‌دارد، توجه دادن دل به نقطه‌ای مقدس است، نقطه‌ای که یادگار حضرت آدم (ع) و پیامبران دیگر، و حضرت ابراهیم (ع) و پیامبر اسلام (ص) است، همان نقطه‌ای که آغاز اسلام در کنار آن شروع شد، و حرکت انقلابی هجرت پیامبر (ص) از آن جا جرقه زد، و هم چنین حرکت عاشورایی امام حسین (ع) از آن جا برپاشد، و قیام جهانی حضرت قائم (عج) از آن جا شروع می‌شود.

نمازگزار با توجه به کعبه، همه این معانی و مبانی را به ذهن خود می‌سپرد، و با جهان بینی توحیدی و عمیق به عبادت خدا می‌پردازد، که قطعاً چنین توجهی موجب پیوستگی بیشتر او به توحید و آرمان‌های مقدس پیامبران (ع) می‌گردد، و به همین نسبت، او را از انحرافات عقیدتی و عملی باز می‌دارد.

پیامبر (ص) و مسلمانان در آغاز اسلام تا سیزده سال در مکه، و هفده ماه پس از هجرت در مدینه به طرف مسجد اقصی واقع در بیت المقدس، که قبله یهودیان نیز بود، نماز می خواندند، همین موضوع باعث شده بود که یهودیان زخم زبان می زدند، و می گفتند: مسلمانان وابسته به ما هستند، برای خود قبله مستقل ندارند، سرانجام در سال دوم هجرت، به فرمان الهی، مسلمانان مامور شدند که به جانب کعبه نماز بخوانند. (۱۶) به این ترتیب، نمازگزار در جهت گیری خود به سوی کعبه، احساس استقلال می کند، و این درس را از مکتب نماز می آموزد که به خود متکی و مستقل باشد، و این استقلال و روحیه اتکای به نفس و عدم وابستگی را که پایه عزت و عظمت است، در زندگی حفظ نماید.

البته نباید به استقبال ظاهری قناعت کرد، مهم تر و عمیق ترین مساله برای نمازگزار این است که قلب خود را متوجه کعبه، آن کانون توحید و خداپرستی کند، و دلش را کانون همسویی به خانه خدا، و صاحب خانه، یعنی خدای متعال قرار دهد، و به گفته خواجه شیراز:

در ضمیر ما نمی گنجد به غیر از دوست کس هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس

حضرت امام خمینی - قدس سره - پس از ذکر مطالبی در این راستا، ما را به سخن امام صادق (ع) متوجه می سازد که فرمود: «اذا استقبلت القبلة فایس من الدنيا و ما فیها، و الخلق و ما هم فیها، و استفرغ قلبک عن کل شاعل یشغلک عن الله تعالی و عاین بسرک عظمة الله تعالی و اذکر وقوفک بین یدیه یوم تبلاو کل نفس ما اسلفت، و ردوا الی الله مولا هم الحق، وقف علی قدم الخوف و الرجاء؛ (۱۷) هنگامی که رو به قبله نمودی، از دنیا و آنچه در دنیاست، مایوس شو، و طمع خود را از خلق و شوون آن قطع کن و قلبت را از هر چیزی که آن را از خدا غافل می سازد و به غیر خدا متوجه می کند، تهی ساز،

و عظمت خداوند را در نهان خود بیازمای، و به یادآور آن روزی را که هرکس هر عملی را که قبلا انجام داده، می آزماید، و همه به سوی «الله» مولا و سرپرست حقیقی خود بازگردانده می شوند [چنان که آیه ۳۰ سوره یونس، به این مطلب دلالت دارد].

همچنین در نماز رو به قبله بر گام خوف و رجاء بایست، به گونه ای که هم از خدا بترسی، و هم به او امیدوار باشی». پی نوشتها:

(۱) این کتاب در ۴۲۳ صفحه، با تصحیح و پاورقی آقای سید احمد فهری، چاپ و منتشر شده است. (۲) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، صفحه ۲۵۶.

(۳ و ۴) همان ۵. همان، صفحه ۲۵۷. (۶) مائده (۵) آیه ۶. (۷) توبه (۹) آیه ۱۰۸؛ اسرار الصلوة، تألیف حاج میرزا جواد ملکی تبریزی، ص ۹ و ۱۰.

(۸) امام خمینی، آداب الصلوة، ص ۸۱. (۹) همان، ص ۷۸ و ۷۹ (به طور اقتباس). (۱۰) ملا محسن فیض، المحجة البیضاء، ج ۱، ص ۲۸۱.

(۱۱) غررالحکم، ج ۱، ص ۲۵۲. (۱۲) صحیفه سجادیه، دعای بیستم (۱۳). شیخ صدوق، عیون الاخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۷۲. (۱۴) امام خمینی، آداب الصلوة، ص ۱۲۵.

(۱۵) استاد جعفر سبحانی، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام (ص)، ص ۱۷۰. (۱۶) امام خمینی، آداب الصلوة، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

نماز در سخنان معصومان (ع)

رسول الله صلى الله عليه و آله: «ان عمود الدين الصلاة وهي اول ما ينظر فيه من عمل ابن آدم فان صحت نظر في عمله وان لم تصح لم تنظر في بقية عمله». (۱)

همانا نماز ستون دین و اولین کردار انسان است که (در قیامت) مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ پس اگر پذیرفته شد سایر اعمال نیز بررسی می‌شود و اگر پذیرفته نشد به سایر اعمال نیز رسیدگی نمی‌شود.

× رسول الله (ص): «اول ما يحاسب به يوم القيامة الصلاة فمن اجاب فقد سهل عليه مابعده و من لم يجاب فقد اشتد مابعده». (۲)

در روز رستاخیز، نخستین پرسشی که از انسان می‌شود نماز است. اگر پاسخ دهد براو آسان می‌گیرند ولی اگر پاسخی ندهد براو سخت خواهند گرفت.

× رسول الله (ص): «صلوا صلاتكم في اول وقتكم فان الله عزوجل يضاعف لكم». (۳)

نماز را در اول وقت بخوانید تا خداوند پاداش شما را دو برابر کند. × رسول الله (ص): «من صلى ركعتين و لم يحدث فيهما نفسه بشيء من امور الدنيا غفر الله ذنوبه». (۴)

هر کس دو رکعت نماز به جا آورد و در اندیشه امور دنیایی نباشد خداوند گناهانش را می‌بخشاید.

× رسول الله (ص): «لا ينال شفاعتي من استخف بصلاته و لا يرد على الحوض لا والله». (۵)

کسی که نمازش را کوچک بشمارد به خدا سوگند از شفاعت من برخوردار نمی‌شود و در حوض (کوثر) بر من وارد نمی‌گردد.

× امام علی علیه السلام: «ليس عمل احب الى الله عزوجل من الصلاة فلا يشغلنكم عن اوقاتها شيء من امور الدنيا». (۶)

هیچ کرداری نزد خداوند دوست داشتنی‌تر از نماز نیست. مبدا امور دنیایی شما را از نماز اول وقت باز دارد.

× امام علی (ع): «لو يعلم المصلی ما يغشاه من جلال الله ماسره ان يرفع راسه من سجوده». (۷)

اگر نماز گزار می‌فهمید که شوکت و شکوه خداوند چگونه او را در بر گرفته، هرگز دوست نمی‌داشت که سرش را از سجده بلند کند.

× امام صادق (ع): «عليك بالصلاة فان آخر ما اوصى به رسول الله - (ص) - و حث عليه الصلاة». (۸)

نماز را پاس بدار زیرا آخرین سفارشی که پیامبر (ص) کرد و بر آن ترغیب نمود نماز بود.

× امام صادق (ع): «احب الاعمال الى الله عزو جل الصلاة و هي آخر وصايا الانبياء - عليهم السلام -». (۹)

نماز دوست داشتنی‌ترین کارها نزد خداوند و آخرین سفارش پیامبران است.

× امام صادق (ع): «احب العباد الى الله عزو جل رجل صدوق في حديثه محافظ على صلاته». (۱۰)

بهترین بندگان نزد خداوند انسان راستگویی است که نمازش را پاس می‌دارد.

× امام صادق (ع): «رکعتان یصلیهما متعطر افضل من سبعین رکعۃ یصلیهما غیرمتعطر». (۱۱)

دو رکعت نماز با عطر زدن برتر از هفتاد رکعت نماز بدون استفاده از عطر است.

× امام صادق (ع): «من صلی صلاۃ فریضه و عقب الی اخری فهو ضیف الله و حق علی الله ان یکرّم ضیفه». (۱۲)

هرکس نماز واجبی را بخواند و در پی آن نماز دیگری را، نافله به جا آورد، پس او مهمان خداست و خداوند بر خود واجب نموده که مهمان خویش را گرمی بدارد. × عنهم علیهم السلام: «صلاۃ رکعتین بتدبر خیر من قیام لیلۃ و القلب ساه». (۱۳)

دو رکعت نماز با اندیشیدن و تامل بهتر از شب زنده‌داری با قلب غافل است.

پی‌نوشت‌ها: (۱) تهذیب؛ ج ۲، ص ۲۳۷، ح ۹۳۶. (۲) جامع الاخبار، ص ۱۸۴، ح ۴۵۰. (۳) معجم الکبیر، ج ۱۷، ص ۳۷۰، ح ۱۰۱۳. (۴) عوالی اللالی، ج ۱ ص ۳۲۲، ح ۵۰۵۹. کافی، ج ۶، ص ۴۰۰، ح ۱۹۰۶. خصال، ص ۶۲۱، ح ۱۰۰۷. خصال، ص ۶۳۲، ح ۱۰۰۸. قرب الاسناد، ص ۳۶، ح ۱۱۸۰۹. کافی، ج ۳، ص ۲۶۴، ح ۲۰۰۱۰. امالی صدوق ص ۲۴۳، ح ۸۰۱۱. ثواب الاعمال، ص ۶۲، ح ۱۲۰۱. کافی، ج ۳، ص ۳۴۱، ح ۳۰۰۱۳. عدۃ الداعی، ۱۶۸. ققنوس نیازمنابع مقاله:

مجله هنر دینی، شماره ۱، سید محمد جواد هاشمی؛

نیایش پر و بال روح انسانی است که سیمرغ جان وی را به کجا آباد «ملکوت» می‌کشاند. نیایش عاشقانه‌ترین نمود، گفتگو است با معشوق. هم او که در اجزا عالم متجلی است و در نهان‌ترین جای، حاضر است. نیایش عطش نشان روح در وادی سرگردانی و جرعه آرامش از خم حیرانی است. روح انسان را جز سخن کردگار فریه نتواند کرد، و جسم خاکیش جز به اشک انابت تعمید نیابد. بشر را همواره امید به آن است که «نیروهای نیایش از میدانهای اجابت بگذرند» (۱) ورنه توان گام برداشتن نیست. نیایش تکیه‌گاه دل، پل گذر از شک به یقین، رودخانه امید، و انعکاس تبسم خداوند در آینه‌های اشک است.

«عبادت گسترده جان است بر بی‌کرانه هستی و آمیزش انسان است با اکسیر حیات، هم اوست که مهیز بر انسان زند و همچنان به راهش کشد، به سیلاب اشک حتی و بدانجا برد که باز خنده روی نماید و شادی راه گشاید.» (۲)

آدمیان، نیایش را زیسته‌اند، آن چنان که لحظه‌ای شوق زیستن را وامگذاشته‌اند. طنین گام‌هاشان خبر از هجرت به سوی دوست می‌دهد و آهنگ نگاهشان امید وصال می‌نوازد.

نیایش، آرایشگر روح است آن چنان که مشاطه‌گان عروس را می‌آرایند، و روح به جمله در می‌آید. آنگاه به تمام قامت قیام می‌بندد تا پروردگار را به ستایش نشیند.

آدمی، ورقهای تاریخ را به اشک نگاشته و خونس گواه این نوشته است، رد پای استغاثه‌هایش را در آن هنگام که تنگدستی پوست بر استخوان‌هایش چسبانده، هجوم تباهی و جهل استخوان‌هایش را فشرده و تنهایی بر تمام جانش سایه افکنده است می‌توان دید.

او را در آن لحظه‌های دردناک که چون زنان باردار به هنگام حمل به خود می‌پیچند، می‌بینی که خلوتی گزیده است و بر آستان خداوندگار به تمام قامت، خویش را فریاد می‌کند.

شکوه‌اش آنچنان رساست، که گدازه دردهایش از آن فوران می‌کند و ارتفاع ایمان را در می‌نوردد، می‌خروشد طوفان می‌کند و آنگاه با چشمانی به رنگ دریا به آسمان خیره می‌نگرد، اشک در فانوس چشمانش شعله می‌کشد و آرام، آرام کشتی روحش به ساحل آرامش می‌رسد، گویی خدایی ناخدای را به چشم دیده و برمه‌ارتش اعتماد کرده است و دیگر بار بستر تاریخ را در می‌نوردد. این است اعجاز نیایش.

و کلام حق چنان سنگین است که اگر بر کوهها فرود آید چون ذرات غبار متلاشی شوند و به نیستی گرایند و اگر بر قلب محزونی بنشینند خدای خانه‌ای می‌شود که جز آرامش و سکون در آن نمی‌یابی. «الا بذكر الله تطمئن القلوب.»

آدمی، این موجود هزار رنگ و ناشناخته هر روز به شیوه‌ای بر آستان عشق می‌نشیند و زنجیر از پای نیازها می‌گشاید و چون کودکان شیرین سخن معبود را به خویش می‌خواند تا شاید دری گشوده آید.

اقوام و ادیان چون شهاب می‌آیند و می‌روند و خطی بر صحیفه روحش می‌کشند، و ظرافتی بر شیوه خواسته‌هایش می‌افزایند.

پیامبران می‌آیند و چون پیکر تراشان یونان و روم، روح آدمی را می‌تراشند تا خریدار - خداوندگار - را شایسته آید.

عاقبت مردی از بادیه‌های طوفان و شن، رَمه و نی، شعر و معشوق، و جهل و جنگ، از قلّه‌های نور فرود می‌آید تا حرم نیایش را بهترین معمار باشد و محرابهای دعا را منقوش به حق عارفانی کند که سبوح گویان، سماع روح می‌کنند و ثناگویان پرده از راز نماز بر می‌گشایند.

می‌آید تا زیباترین تندیس آدمی را به جبرئیل بسپارد، چون هنرمندان چیره‌دست می‌نشینند و این روح شگفت‌انگیز را می‌آرایند.

نماز کاملترین شکل نیایش، رقص روح در تالار ملکوت، شیواترین قطعنامه انسان، بال معراج مؤمن و آغاز و انجام بندگی است.

درهای بهشت را جز با نماز نتوان گشود که کلید گشایش‌هایست.

وصف عشق از زبان معشوق خوش است که او با جذبه‌های عاشقانه آشناست و موسیقی نوازشگر رحمت را می‌نوازد.

واژه‌ها از زبان معبود و معشوق به قلب شیفته عاشق شلیک می‌شوند تا پایتخت روح آدمی را تسخیر کنند. واژه‌هایی که از سوی او می‌آیند و به رمز و راز جان آدمی آگاهند.

کتاب هدایت را می‌گشایی و به آیه‌های چشم‌نواز نور نظر می‌افکنی، در هر سوره از این کتاب منیر، بارها شاهدهی که سجاده نماز گشوده است و نمازگزاران را به تسبیح و حمد می‌خواند. عبادت راز خلقت آدمی است.

«و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون.» جن و انس را نیافریدم مگر برای عبادت.

خداوند این معبود بی‌همتا که به بندگان عشق می‌ورزد، بسیار آنان را به سوی خویش می‌خواند و دوری وی را تاب نمی‌آورد، پس چگونه است که بندگان از این خالق بنده‌نواز غفلت می‌ورزد و به کار دنیا مشغول می‌شوند.

ندای جبرئیل تا همیشه تاریخ طنین‌انداز است که بندگان را فرمود: «هر چه در آسمان و زمین است همه به تسبیح و ستایش خدای که مقتدر و حکیم است مشغولند.» (۳)

پس تو هم به جمع تسبیح‌گویان شتاب و «از شبانگاه به تسبیح وی پرداز و هنگام فرو رفتن ستارگان هم تسبیح خدا گو.» (۴)

تا خورشید از پیشانیت طلوع نماید و آفتاب گستر عالم باشد، آنگاه می‌فرماید، البته به عبادت خویش غره مشو که «هفت آسمان و زمین و هر چه در آنهاست همه به ستایش و تنزیه او مشغولند و موجودی نیست جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست، لیکن شما تسبیح آنها را فهم نتوانید کرد، همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است.» (۵) نخستین گام در دیدار معبود با مخلوق از سوی اوست و نخستین پیام را نیز خود فرو می‌فرستد که «ای ایمان آورندگان، خدای را بسیار ذکر و تسبیح گوید.» (۶)

و انعکاس این دعوت را که همانا اجابت دعای بنده است خود ضمانت می‌کند و چه ضمانتی بالاتر از آنکه خود ضامن خلق شود و مشتاقانه صلا دهد که: «و اذا سألك عبادي عني فاني قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي لعلهم يرشدون.»

چون بندگان از دوری و نزدیکی من، از تو پرسند، آگاه باشند که من به آنها نزدیک خواهم بود، هر که مرا خواند دعایش را اجابت کنم، پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من بگروند، باشد تا به سعادت راه یابند.» (۷)

قرآن و احکام و روایات در بیان مقدمات، مؤخرات و شرایط نماز و نمازگزار هیچ نکته‌ای را فرو نگذاشته است و هم اعمال صوری و هم مراقبات باطنی به دقت بیان گردیده است.

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که خود اسوه حسنه‌ای است برای انسانها در تمامی اعمال و گفتار، در حدیثی خصائص نماز را چنین بیان می‌فرماید: «نماز بنده در محشر، تاجی است بر سرش و نوری در صورتش و لباسی بر تنش، پرده‌ای است میان او و آتش، حجتی است بین او و آتش، سبب نجات از دوزخ و عبور از پل صراط است، کلید بهشت و مهر حورالعین و بهای بهشت است. نماز است که بندگان را به بالاترین درجات می‌رساند.» (۸)

شایسته نیست که بنده تاج از سر بگیرد و عریان بر عصای نابینایی تکیه زند، یا کلید بهشت را در کوچه پس کوچه‌های هوس رها سازد و در مرداب دوزخ دست و پا زند.

حکایت گناهکار که در سیاهچال معصیت گرفتار آمده، داستان اسیری است که در دهلیزهای تاریک و ظلمانی و ناهموار به بند کشیده شده است و تنها رشته‌ای باریک، منشأ اتصال او به درگاه آن دهلیز و وسیله نجات اوست. اگر رشته را رها سازد هلاکش حتمی است اما اگر بدن تمسک جوید با سختی بسیار امید نجاتش هست.

نماز برای انسان گناهکار حکم همان رشته را داراست که در هیچ شرایطی نباید از آن گسست و به تاریکی مطلق پیوست، در احکام آمده است که اگر کسی به قصد گناه مسافرت کند، باید نماز را تمام به جای آورد و نمی‌تواند آن را شکسته ادا کند، نکته مستتر در این حکم این است که حتی ارتکاب گناه هم سبب ترک نماز نمی‌تواند باشد، آنکه مسلمان است و اسلام آورده و به یگانگی خداوند شهادت داده است تا زمانی که از این عقیده بازنگشته و رأی خلاف اختیار نکرده است باید نماز را به پا دارد. با هر شیوه و روش زندگی و با هر درجه از ایمان، نماز باید اقامه شود.

هر گناهی کیفر خود را دارد و هر عملی جداگانه محاسبه خواهد شد. البته درجه ایمان و حضور قلبی در برابر خداوند از مسائلی است که هنگام درجه‌بندی بندگان و نسبت تقرب آنان به بارگاه ربوبیت مورد نظر واقع می‌شود اما آنکه نماز را واگذارد به همه درهای رحمت و زنگهای بیدارباش خویش پشت کرده است و به تاریکی مطلق گام نهاده است.

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد کسانی که نماز را ترک می‌گویند و به این خیر عظیم خداوند پشت می‌کنند می‌فرماید: «دو گروه از امت من در قیامت مورد عذاب خداوند واقع می‌شوند و به دوزخ در می‌آیند که یک گروه از آنان

تارک نماز است و بدانید که تارک نماز عذابش دو چندان است و هنگام ورود به صحرای محشر دستش را به گردش زنجیر کنند و ملائکه گدازه‌های آتشین بر گونه‌ها و پیشانی‌ش زنند.» (۹)

قرآن ابتدا در آیه‌های متعددی چگونگی بجای آوردن نماز و احکام و مقدمات آن را بیان می‌فرماید و شکل این عبادت را به تصویر می‌کشد: «ای اهل ایمان چون خواهید برای نماز برخیزید، صورت و دستها را تا آرنج بشوئید و سر و پاها را تا بر آمدگی پا مسح کنید و اگر جنب هستید پاکیزه شوید و اگر بیمار و مسافر باشید، یکی از شما را قضاء و حاجتی دست دهد و یا با زنان خلوت کرده‌اید و آب نیابید، در این صورت به خاک پاک و پاکیزه تیمم کنید، با آن خاک صورت و دستها را مسح نمایید، خدا هیچگونه سختی برای شما قرار نخواهد داد اما می‌خواهد که شما را پاکیزه گرداند و نعمت را بر شما تمام کند باشد که شکر او را بجای آورید.» (۱۰)

امام رضا علیه‌السلام نیز در حدیثی جهت وضو گرفتن را پیش از به جای آوردن نماز بیان کرده است و در این زمینه چنین می‌فرماید: «از این جهت خداوند امر به وضو فرموده است که انسان به هنگام وقوف در برابر پروردگار و به هنگام مناجات با حضرت باری پاک و پاکیزه باشد، در برابر او امرش مطیع و فرمان بردار، و از هر گونه نجاست و پلیدی به دور و بر کنار باشد. از طرف دیگر، وضو موجب رفع کسالت می‌باشد و دل پاک و پاکیزه و مهیا است برای ایستادن در برابر خداوند قهار. در وضو شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها واجب است، چون اینها اعضایی است که در نماز به کار گرفته می‌شوند، زیرا با صورتش به سجده می‌رود و در برابر خداوند متعال خاضع می‌شود، دستها را به سوی خداوند بر می‌دارد و نیایش می‌کند و نیازهایش را سؤال می‌کند، با سرش خضوع و خشوع می‌کند و در برابر خداوند جبار برای رکوع خم می‌شود و به هنگام سجده پیشانی بر زمین می‌ساید و با پاهایش بر می‌خیزد و می‌نشیند و فرمان خدای به جای می‌آورد.» (۱۱)

پس از بیان مقدمات نماز و روش به جای آوردن آن که به عنوان اعلامیه مؤمن و قطعنامه بندگی است رازهای برگزاری این مراسم روحانی و عاشقانه و درک هر واژه این ذکرهای نورانی را بیان می‌فرماید و ویژگیهای پارسایان و مؤمنان را که حقیقت نماز را دریافته‌اند ذکر می‌کند.

امام صادق علیه‌السلام نیز در حدیثی به نمازگزاران چنین می‌گوید: «هنگامی که به نماز برخاستی از دنیا و آنچه در آن است نومید باش و از مردم و آنچه مردم به آن مشغولند روی پرتاب و دست را از آنچه ترا از یاد خدا دور می‌کند تهی ساز و با دیدگان درونت عظمت خدا را مجسم کن و به یادآور روزی را که در برابر او خواهی ایستاد و هر نفسی آنچه را که پیش فرستاده خواهد یافت و به سوی مولای حقیقی‌شان «الله» باز گردانیده می‌شوند پس بر دو پای خود در جا بایست.» (۱۲)

از ارکان اساسی ایمان فردی و پالایش روح آدمی نماز است. چه پارسایان و عارفانی که حقیقت این عبادت سترگ را به زبان دل چشیده‌اند همواره در رکوع و سجودند و لحظه‌ای را خالی از ذکر رحمان نمی‌گذرانند. بعد فردی نماز، صیقل روح و پاکی درون آدمی است تا انسان پله‌های خودشناسی را یکی پس از دیگری طی کند و به بام خداشناسی برسد که مولای عارفان و سرآمد پارسایان علی علیه‌السلام فرزند کعبه و شهید محراب فرمود:

«من عرف نفسه فقد عرف ربه.» آن که سرزمین وجود خویش بشناسد تواند که به ملک پروردگار گام بگذارد و مقام وی بشناسد.

پس تزکیه نفس و سلوک می‌تواند با درک روح نماز میسر گردد، چه بدون توجه درونی و با دل خفته، نماز همان کلماتی است که آدمی از سر عادت نشخوار می‌کند و این گونه نماز گزاردن راهگشا نمی‌تواند بود.

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره حضور قلب و توجه کامل به نماز و تأثیر آن به نمازگزار می‌فرماید: «هنگامی که انسان برای نماز بر می‌خیزد، اگر دلش با خدای و همه توجهاتش به سوی خدا باشد، چون از نماز فارغ شود همانند روزی است که تازه از مادر متولد شده است یعنی تمام گناهایش آمرزیده می‌شود.» (۱۳)

و حضرت علی علیه السلام به هنگام نماز مضطرب می شد و چهره اش به زردی می گرایید چون دلیلش را از او می پرسیدند می فرمود: «وقت ادای امانتی رسیده است که خداوند آن را بر آسمانها و زمین عرضه نمود پس همگی از حمل آن ابا کردند و از آن ترسیدند.» (۱۴)

خداوند در قرآن کریم از دشواری درک حقیقت نماز سخن می گوید و حضور قلب در آن را بسیار دشوار می شمارد اما آنکه از عهده آن برآید از پارسایان است «از خداوند به صبر و تحمل و نماز یاری جویند که نماز با حضور قلب امری بسیار بزرگ و دشوار است مگر بر خداپرستان که مشتاق نمازند چون آنانکه دائم در نماز هستند.» (۱۵)

آنگاه تأثیر نماز را بر دو گونه فردی و اجتماعی تقسیم می کند و مردم را نیز به دو گروه متقیان و پارسایان که مؤمنان حقیقی هستند و سهل انگاران در اوامرش دسته بندی می فرماید.

در صورت عمل فردی، گروه نخست یعنی پارسایان را وارثان حقیقی زمین می داند و می فرماید پیوستن به گروه نخست با مرارت و دشواری همراه است اما آنکه این راه را برگزیند رستگار خواهد شد.

«مؤمنان آنهایند که چون ذکری از خدا شود دلهاشان ترسان و لرزان شود و چون آیات پروردگار بر آنان تلاوت کنند بر مقام ایمانشان بیفزاید به خدای خود در هر کار توکل می کنند» «و نماز را با حضور قلب به پا می دارند و از هر چه روزی آنها کردیم به مستمندان انفاق می کنند.» (۱۶)

امام علی علیه السلام نیز صفات مؤمن را بر می شمارد و او را چنین توصیف می فرماید: «مؤمن را شادمانی در چهره است، و اندوه در دل، حوصله اش از همه بیشتر است و نفسش از همه خوارتر، برتری جویی را خوش ندارد و از خودنمایی بیزار است. اندوهش بسیار و همتش بلند و خاموشیش دراز و وقتش مشغول است. مؤمن صبور و شکرگزار است. همواره در اندیشه است و در اظهار نیاز امساک کند. نرمخوی و نرم رفتار است. نفسش از صخره سخت تر است در عین حال خود را از بردگان کمتر می بیند.» (۱۷)

کلام نهج البلاغه که برگرفته از حقیقت قرآن است و پس از قرآن بالاترین درجه را نزد مسلمانان دارد، سیمای مؤمن را آنگونه ترسیم می کند که خداوند در سوره مؤمنون از پارسایان یاد می کند: «همانا اهل ایمان به فیروزی و رستگاری رسیدند، آنانکه در نماز خاضع و خاشع هستند و از لغو و سخن باطل اعراض و احتراز می کنند، آنانکه زکات مال خود را به مستمندان می دهند و آنانکه فروج و اندامشان را از عمل حرام نگاه می دارند.» (۱۸)

«آنانکه به امانتها و عهد و پیمان خود کاملاً وفا می کنند و آنانکه بر نمازهاشان محافظت دارند. چنین کسانی وارث مقام عالی بهشتند.» (۱۹)

به بیان خداوند نشانه های مؤمن چنین است: خضوع و خشوع در نماز، اعراض از سخنان باطل، یاری به مستمندان و فقیران، عفت و پاکدامنی، وفای به عهد و مداومت در برپایی نماز.

این خصائص در هر کس گرد آید به یقین انسان کامل خواهد بود و همانطور که قرآن وعده می دهد بهشت پاداش اوست. این خصایل دل انسان را روشن می کند و آدمی را به پاکی و تقوا نزدیک می گرداند و در این صورت، رابطه انسان با خداوند رابطه ای عاشقانه است و عشق بر قلب مؤمن حاکم است و جز دوستی و محبت خداوند در آن جای ندارد اینجاست که انسان یکسره خدایی می شود و به مقام عرفان دست می یابد و حلاج وار فریاد بر می آورد که خداوند در جبه من است. او یکسره خدایی است و روح خدا بر او حکومت می کند او از جسم خاکی رسته است و به ملکوت پیوسته است.

چنین رابطه عاشقانه و لطیفی نیز بر نهج البلاغه حاکم است و نوع عبادت و پرستش علی علیه السلام و آنچه که در کلام او متجلی است پرستش عاشقانه و عارفانه است.

امام در خطبه‌ای در پاسخ به همام که وصف پرهیزگاران را خواسته بود چنین می‌گوید: «... پرهیزگاران را در این جهان فضیلتها است. گفتارشان به صواب مقرون است و راه و رسمشان بر اعتدال و رفتارشان با فروتنی آمیخته. از هر چه خداوند بر آنها حرام کرده است چشم می‌پوشند و گوش بر دانستن چیزی نهاده‌اند که آنان را سودی رساند، آنچنان به بلا خو گرفته‌اند که گویی در آسودگی هستند. اگر مدت عمری نبود که خداوند بر ایشان مقرر داشته، به سبب شوقی که به پاداش نیک و بیمی که از عذاب روز باز پسین دارند، چشم بر هم زدنی جانهایشان در بدنهایشان قرار نمی‌گرفت. تنها آفریدگار در نظرشان بزرگ است و جز او هر چه هست در دیدگانشان خرد می‌نماید، با بهشت چنان‌اند که گویی می‌بینندش و غرق نعمتهایش هستند و با دوزخ چنانند که گویی می‌بینندش و به عذاب آن گرفتارند...»

شبهها چنان بر پای ایستاده‌اند، تا جزء جزء کتاب خدا را بخوانند، می‌خوانند و آرام و با تأنی و تدبّر می‌خوانند. به هنگام خواندنش خود را اندوهگین می‌سازند و داری درد خویش را از آن می‌جویند...

از اعمال خویش چون اندک باشد، ناخوشنودند و چون بسیار باشد در نظرشان اندک نماید، که اینان پیوسته خود را متهم می‌دارند و از آنچه می‌کنند بیمناک‌اند...» (۲۰) گوید که همام از این سخن بیهوش شد و در آن بیهوشی جان سپرد.

مؤمنانی که عصاره انسانیت یعنی مقام خلیفه الهی را درک کرده‌اند پرده‌های گمان و پندار را در دیده‌اند و حجابی میان آنان و جمال جمیل حق حایل نیست. و دلهاشان همیشه در برابر امر حق خاشع است و از دامن آلودن به دنیای فانی و تخطی از امر پروردگار گریزانند.

بعد فردی نماز که همانا انسان ساز و بستر رویش اخلاق و خصایص نیکو است در بالاترین مراتب در چهره پارسایان حقیقی متجلی است که وارثان حقیقی هستی هستند.

پی‌نوشتها (۱) پیامبر - جبران جلیل جبران. (۲) همان. (۳) سوره حشر، آیه ۱. (۴) سوره طور، آیه ۴۹. (۵) سوره اسراء، آیه ۴۴. (۶) سوره احزاب، آیه ۴۱.

(۷) سوره بقره، آیه ۱۸۶. (۸) نصایح - علی مشکینی، ص ۳۵۹. (۹) نصایح، ص ۳۰۳. (۱۰) سوره مائده، آیه ۶. (۱۱) اسرار نماز - شهید ثانی، ترجمه علی اکبر مهدی پور.

(۱۲) همان، ص ۱۱۷. (۱۳) همان، ص ۱۱۶. (۱۴) سوره احزاب، آیه ۷۲. (۱۵) سوره بقره، آیه ۱۵. (۱۶) سوره انفال، آیه ۳ و ۱. (۱۷) نهج البلاغه، ص ۳۲۵.

(۱۸) سوره مؤمنون، آیه ۶ و ۱. (۱۹) سوره مؤمنون، آیه ۱۱ - ۹. (۲۰) نهج البلاغه.